

۲. فرآیند تکمیل مجموعه‌ای از آیه‌ها به نام یک سوره، ثابت می‌کند که آیه‌های نخستین سوره عنکبوت مکی است. زرقانی در این باره می‌گوید:
یکی از وجوه تقسیم‌بندی سوره‌ها به مکی و مدنی، ابتدای سوره است؛ یعنی هر سوره‌ای که ابتدای آن در مکه نازل شده باشد، مکی و در غیر این صورت مدنی است.^۱

استاد معرفت - حفظه الله - نیز می‌نویسد: «روند تکمیل و ثبت آیه‌های یک سوره در طول یکدیگر می‌باشد».^۲ همو در بحث استثنائات می‌گوید:
از واقعیت به دور است که آیه‌ای در مکه نازل شود و به صورت غیر مسجل سرگردان بماند تا اصل آن سوره در مدینه نازل گردد.^۳ همچنان که بر عکس آن هم درست نیست، به این صورت که آیه‌ای در مدینه نازل شود و در سوره‌ای مکی قرار گیرد؛ [زیرا] چنین قولی جز حدس و گمان، مستند دیگری ندارد.^۴ این استناد از ابن حجر عسقلانی در شرح بخاری نیز ادعا شده است.^۵

هر چند ما در صدد اثبات اینکه ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ مبنای ابتدای سوره است و اینکه «بسمله» جزء سوره است، نیستیم، اگر از این دریچه هم نگریسته شود، معلوم می‌شود که تمام سوره عنکبوت مکی است؛ چرا که اگر ملاک ابتدای سوره، «بسم الله» باشد، کسانی که قائل اند یازده آیه نخست سوره مدنی است، باید تمام سوره را مدنی بنامند، در حالی که به مکی بودن آن اجماع دارند و اگر ملاک دیگری برای آن دارند، دلیل مدنی بودن این آیه‌های نخستین چیست؟

نتیجه

با توجه به دلایل ذکر شده، سوره عنکبوت کاملاً مکی و دلیلی بر مدعای ما بر «وجود نفاق در مکه» است؛ چرا که سوره عنکبوت از آخرین سوره‌های نازل شده در مکه است و قرآن نیز با توجه به اهمیت موضوع و همچنین علنی شدن برخی امور، به صراحت از آن یاد کرده است.

۱. زرقانی، *مناهل العرفان*، ج ۱، ص ۲۰۲. ۲. محمدهادی معرفت، *التمهید*، ج ۱، ص ۱۳۳.
۳. همان، ج ۱، ص ۲۲۴. ۴. همان، ج ۱، ص ۱۷۵.
۵. همان (به نقل از ابن حجر عسقلانی، *فتح الباری*، ج ۹، ص ۳۸).

امانت‌داری در آموزه‌های اسلامی

- رضا وطن دوست^۱
- پژوهشگر و نویسنده

چکیده:

«امانت‌داری» که از «نیازهای اجتماعی بشر» است، در استوارسازی پیوندهای جامعه نقشی بسزادارد؛ زیرا استواری پیوندها در جوامع بشری و امدار امانت‌داری و گسترش آن در جامعه است. اگر در جامعه امانت‌رعايت شود، اعتماد دوسویه رو به فزونی می‌نهد و روابط انسانها نیکو و مستحکم می‌گردد و اگر روحیه امانت‌داری تضعیف گردد و این خصلت پسندیده، کم‌رنگ شود، اعتماد لازم از میان می‌رود و حالت مرگبار تشویش و نگرانی بر فضای زندگی مردم سایه می‌افکند و سرانجام، شیرازه زندگی اجتماعی از هم می‌پاشد.
این پژوهش که به هدف تقویت روحیه امانت‌داری و گسترش این فضیلت اخلاقی در جامعه، تدوین یافته است، بر آن است تا با استفاده از آموزه‌های اسلامی، این موضوع را در سه بخش «گستره‌ها»، «عوامل و زمینه‌ها» و «آثار و

پیامدهای امانت و خیانت در امانت» سامان دهد.

کلید واژگان: امانت، امانت‌داری، امانت‌شکنی، خیانت در امانت، نیاز بشری، حقوق اجتماعی، آموزه‌های اسلامی.

مقدمه

امانت‌داری از اولویتهای اولیه و نیازهای اجتماعی بشر است که در استوارسازی پیوندهای جامعه، نقشی بسزا دارد؛ زیرا استواری جامعه در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... و امداار امانت‌داری و گسترش آن در جامعه است. اگر در جامعه، امانت‌ها رعایت شود، اعتماد دوسویه رو به فزونی می‌نهد و روابط، نیکو می‌گردد، ولی اگر این فضیلت اخلاقی در جامعه، کم‌رنگ شود، اعتماد لازم از میان می‌رود و حالت مرگبار تشویش و نگرانی بر فضای زندگی مردم، سایه می‌افکند و سرانجام، شیرازه زندگی اجتماعی از هم می‌پاشد.

قرآن که دغدغه تأمین نیازهای معنوی بشر را دارد، به منظور تقویت روحیه امانت‌داری در جامعه ایمانی، راهکارهایی کارآمد را ارائه کرده است. این پژوهش، با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی، حدیث و سیره پیشوایان دین به تبیین این موضوع پرداخته است. امید است، گامی کوچک به منظور گسترش امانت‌داری و نهادینه شدن آن در جامعه باشد.

معناشناسی

«امانت» همچون «امن»، «امان» و «ایمان» مصدر و از ماده «ا م ن» است^۱ و برای چیزهایی به کار می‌رود که به امانت نهاده شده‌اند.^۲ این واژه‌ها که از کانون واحدی برخوردارند، هم، شبکه معنایی واحدی را تشکیل می‌دهند که حصول آرامش و اطمینان خاطر نسبت به چیزی است.

مقابل امانت، خیانت است و خیانت در معنا مانند نفاق است، لکن خیانت به

۱. حسین بن محمد (راغب اصفهانی)، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق محمد سیدگیلانی، بیروت، دارالمعرفه، ص ۲۵.

۲. فیومی مقری، *المصباح المنیر*، بیروت، مکتبه اللبنا، ۱۹۸۷ م، ص ۱۰.

اعتبار عهد و امانت است و نفاق به اعتبار ایمان و عقیده.^۱

واژه‌های دیگری وجود دارد که به لحاظ مفهومی به مفهوم امانت نزدیک است. ۱. «ودیعه»: ودیعه در لغت به معنای «شیء ترک شده»^۲ و یا «شیء صرف نظر

شده» است،^۳ مانند وداع که به معنای «ترک کردن کسی» است و در اصطلاح فقهی و حقوقی عبارت است از «مالی که نزد کسی به امانت سپرده می‌شود».^۴

تناسب معنای اصطلاحی ودیعه با معنای لغوی آن، این است که همان‌طور که در معنای لغوی پس از ترک شیء، نوعی راحتی، فراغت و کاهش دغدغه نسبت به آن حاصل می‌شود، در معنای اصطلاحی آن نیز پس از به امانت سپردن، نوعی آرامش خاطر نسبی و کاهش دغدغه نسبت به آنچه نزد دیگران به ودیعت گذارده شده است، حاصل می‌شود.^۵

۲. «عاریه»: عاریه در لغت عبارت است از «چیزی که پوشاندن و پنهان داشتن آن، لازم است» مانند پنهان داشتن بعضی بیماریها و پوشاندن شرمگاهها^۶ و در اصطلاح فقهی و حقوقی عبارت است از «چیزی که به امانت بگیرند و پس از رفع نیاز، آن را باز پس دهند».^۷

تناسب معنای اصطلاحی عاریه با معنای لغوی آن، این است که همان‌طور که آشکار شدن چیزی که پوشاندنش لازم است، ناخوشایند است، برای عاریه گیرنده نیز آشکار شدن عاریه، ناخوشایند است؛ زیرا او از درخواست عاریه و آشکار شدن آن عار دارد.^۸

۱. راغب اصفهانی، *المفردات فی غریب القرآن*، ص ۱۶۳.

۲. ابن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، بیروت، دارالجیل، ج ۶، ص ۱۹۶.

۳. حسن مصطفوی، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، چاپ اول، فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۳-۱۴، ص ۶۸.

۴. محمد بن جمال‌الدین مکی عاملی (شهید اول)، *اللمعة الدمشقیة*، تحقیق سیدمحمد کلانتر، بیروت، دار المعالم الاسلامی، ج ۴، ص ۲۵۵.

۵. فیومی مقری، *المصباح المنیر*، ص ۲۵۰.

۶. حسن مصطفوی، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۸، ص ۲۶۰.

۷. شهید اول، *اللمعة الدمشقیة*، ص ۲۵۵.

۸. همان؛ فیومی مقری، *المصباح المنیر*، ص ۴۳۷.

ضرورت و اهمیت امانت‌داری

ضرورت امانت‌داری که امری انکارناپذیر و در روابط اجتماعی امری بایسته است، در مکتب اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. امام علی علیه السلام در اشاره به اهمیت امانت‌داری آن را در مرتبه بالایی از مراتب ایمان می‌داند: «أفضل الإيمان الأمانة»^۱. در بزرگی این خصلت پسندیده همین بس که امانت‌داری در اسلام میزان

سنجش دین‌داری معرفتی شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

لا تنتظروا إلى كثرة صلاتهم و صومهم... و لكن انظروا إلى صدق الحديث و أداء الأمانة؛^۲ به زیادی نماز و روزه آنان نگاه نکنید...، بلکه به راستگویی و امانت‌داری آنها بنگرید.

امام صادق علیه السلام در تأکید بر این مطلب، امانت‌داری را معیار ارزیابی شخصیت

پیامبران در واگذاری مقام نبوت می‌داند و می‌فرماید:

إن الله لم يبعث نبياً قط إلا بصدق الحديث و أداء الأمانة؛^۳ خداوند هیچ پیامبری را به نبوت برنمیگيخت مگر به سبب صدق گفتار و امانت‌داری آنان.

درست بر همین اساس است که قرآن کریم از واگذاری مأموریت‌های ویژه به افراد امین خبر داده است. «اعطای رسالت به پیامبران»،^۴ «مأموریت ابلاغ و وحی به فرشته امین»^۵ و «واگذاری خزانه‌داری مصر بزرگ به یوسف»^۶ نمونه‌هایی از این مأموریت‌هاست.

گستره امانت‌داری

امانت‌داری از معنا و مفهومی فراگیر برخوردار است که نه به فرد و گروهی خاص از

۱. جمال‌الدین محمد خوانساری، شرح غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح و تعلیق میرجلال‌الدین حسین ارموی، چاپ اول، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش، ج ۴، ص ۵۳۴.
۲. محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تحقیق الشیخ حسین الاعلمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۵۶، ح ۱۹۷.
۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ج ۷۲، ص ۱۱۶.
۴. شعراء / ۱۰۷، ۱۲۵، ۱۴۳، ۱۶۲ و ۱۷۸. ۵. شعراء / ۹۳ و ۹۴.
۶. یوسف / ۵۵.

امانت‌گذاران و امانت‌داران اختصاص دارد و نه به نوعی خاص از انواع امانتها محدود می‌شود، بلکه امانت‌داری هم نسبت به اشخاص و هم نسبت به انواع امانتها امری ضروری و بایسته است؛ از این رو، ضروری است که این بحث در دو بخش دنبال شود:

۱. امانت‌داری نسبت به صاحبان امانت

آنگاه که از ضرورت امانت‌داری سخن به میان می‌آید، ممکن است فقط امانتهای دیگر هم‌نوعان به ذهن آید، ولی حق، این است که در فرهنگ قرآنی، امانت‌داری تنها به این نوع از امانتها اختصاص نمی‌یابد، بلکه افزون بر آن، امانتهای خداوند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امانتهای خود شخص را نیز شامل است.

الف) امانت‌داری نسبت به خداوند

در اینکه انسان بار امانت الهی را به دوش کشیده^۱ و به پاسداشت امانتهای خداوند وظیفه یافته است،^۲ سخنی نیست، اما اینکه امانت خدا چیست و این نوع از امانتها کدام است؟ امانت‌داری و امانت‌شکنی نسبت به امانتهای خداوند چگونه است؟ پاداش امانت‌داران درستکار و مجازات خیانت‌کنندگان در امانت و نیز آثار امانت‌داری و پیامدهای خیانت در امانتهای خداوند چیست؟ بحثی طولانی است که مجال و فرصتی دیگر را می‌طلبد.

در ضرورت امانت‌داری نسبت به امانتهای خداوند، تنها به این آیه بسنده می‌شود که فرموده است:

﴿يا أيها الذين آمنوا لا تخونوا الله﴾^۳؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا خیانت نکنید.

ب) امانت‌داری نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله یکی از صاحبان امانت است که به حکم آیه یادشده، نباید به هیچ

۲. بقره / ۱۷۲.

۱. احزاب / ۷۲.

۳. انفال / ۲۷.

روی به امانتهای آن حضرت خیانت شود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ...﴾^۱

در اینکه امانتهای آن حضرت کدام است؟ به دو امانت از امانتهای آن حضرت بسنده می شود که فرموده اند:

إِنِّي تَارِكٌ فَيْكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي...^۲؛ دو شیء گرانسنگ، کتاب خدا و عترتم را در میان شما به امانت گذاردم....

اکنون که روشن است قرآن، امانتی از امانتهای آن حضرت است، لازم است از خیانت به امانت پیامبر ﷺ پرهیز شود تا مبادا در زمره کسانی باشیم که آن حضرت از خیانت به آن، شکایت می کند:

﴿يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا﴾^۳؛ پروردگارا! قوم من، قرآن را وانهادند.

عترت یکی دیگر از امانتهای پیامبر ﷺ است. خدا در اشاره به بزرگی این امانت به آن حضرت فرمان داده است تا بر خلاف دیگر پیامبران که مزد رسالت خودشان را از کسی توقع نکردند،^۴ مزد رسالت خود را دوستی عترتش قرار دهد:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾^۵؛ بگو: برای آن کار، جز دوستی خویشان، چیزی از شما طلب نمی کنم.

ج) امانت داری نسبت به دیگران

انسانها که همواره در تعامل و ارتباط چندسویه هستند، از جمله صاحبان امانت هستند؛ از این رو، بر همه لازم است، نسبت به رعایت انواع امانتهای دیگران کوشا باشند.

لازم به یادآوری است، امانتهای این قسم از صاحبان امانت که موضوع اصلی

۱. انفال / ۲۷.

۲. محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، الامالی، چاپ اول، نشر مؤسسه بعثت، ۱۴۰۷ ق.، ص ۵۰۰.

۳. فرقان / ۳۰.

۴. هود / ۵۱؛ شعراء / ۱۰۹ و ۱۲۷.

۵. شوری / ۲۳.

این پژوهش است، در بخش دوم از گستره امانت داری بحث می شود.

د) امانت داری نسبت به خود

بدانسان که آدمی به امانت داری نسبت به خدا، پیامبر ﷺ و دیگر هموعان و وظیفه دارد، نباید از امانت داری نسبت به خود نیز غفلت کند. مرحوم طبرسی رحمه الله در ذیل آیه ﴿عَلَّمَ اللَّهُ أَنْكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ﴾^۱ می گوید:

خیانت به خود در این آیه به معنای محروم ساختن خود از حقوق مسلم و لذات شرعی و معنوی است.^۲

بر اساس این، هر اقدامی که آدمی را از استیفای حق مسلم خود بازدارد و یا عزت و اعتبار وی را خدشه دار کند، از گونه های خیانت به خود محسوب می گردد. همچنین خداگریزی،^۳ باطل گرایی،^۴ هوسرانی،^۵ فرصت سوزی،^۶ دون همتی،^۷ کوتاه بینی،^۸ تن آسایی،^۹ آزمندی^{۱۰} و... از موارد خیانت به خود است.

۲. امانت داری نسبت به حقوق فردی و اجتماعی

امانتهای دیگر هموعان به امانتهای فردی و اجتماعی تقسیم می گردد که به تفکیک مورد بحث قرار می گیرد.

۱. بقره / ۱۸۷.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، چاپ اول، بیروت، دارالمعرفه، ج ۱-۲، ص ۵۰۴.

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۱۹۵.

۴. علی بن محمد اللیثی الواسطی، عیون الحکم و المواعظ، تحقیق حسین حفی بیرجندی، چاپ اول، دارالحدیث، ۱۳۷۶ ش.، ص ۴۴.

۵. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۶۳.

۶. محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، چاپ اول، بیروت، احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.، ج ۱۱، ص ۳۶۶.

۷. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، تحقیق و نشر دارالحدیث، ترجمه حمیدرضا شیخی، ج ۱۴، ص ۶۶۸۲.

۸. علی بن محمد اللیثی الواسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۲۰.

۹. ابن شعبه الحرّانی، تحف العقول، ص ۳۰۰.

۱۰. نهج البلاغه، شرح و ترجمه فیض الاسلام، حکمت ۲۱۰ و ۲۱۷.

الف) امانتهای فردی

امانت‌داری نسبت به امانتهای فردی، امری فراگیر است که هم امانتهای مادی را دربرمی‌گیرد و هم امانتهای معنوی انسان را شامل می‌شود.

امانتهای مادی

امانتهای مادی انسان که در تعامل با دیگر افراد، مورد پیدا می‌کند، بسیار است، اما از آن رو که این نوشته در پی استقصای همه آنها نیست، ناگزیر از ارائه یک تقسیم کلی است و آن اینکه امانتهای مادی بر اساس تقسیم فقیهان به «امانتهای شرعی» و «امانتهای مالکی»^۱ و بر اساس تقسیم حقوق دانان به «امانتهای قانونی» و «امانتهای قراردادی»^۲ تقسیم می‌گردد.

امانتهای مالکی یا قراردادی عبارت است از امانتهایی که با اختیار و اذن مالک در اختیار کسی قرار می‌گیرد. این امانتها سه فرض دارد:

۱. امانتهایی که تنها به مصلحت مالک (امانت‌گذار) است؛ مانند: ودیعه و کالت بی‌اجرت و....
 ۲. امانتهایی که تنها به مصلحت گیرنده امانت (امانت‌دار) است؛ مانند: عاریه، قرض و....
 ۳. امانتهایی که هم به مصلحت مالک (امانت‌گذار) و هم گیرنده امانت (امانت‌دار) است؛ مانند: مورد اجاره، رهن، مضاربه، مال‌الشركة، وکالت با اجرت، محموله‌های بار در شرکتهای حمل و نقل و....
- امانتهای شرعی یا قانونی عبارت است از امانتهایی که بدون رضایت و اختیار مالک و نیز بی‌هیچ عقد و قراردادی در اختیار کسی قرار می‌گیرد، مانند مالهای یافت‌شده، غصب‌شده، به سرقت رفته، مجهول‌المالک و نیز مالهایی که از سوی کودکان، دیوانگان، سفیهان و اشخاص غیر مسئول به کسی سپرده می‌شود.^۳

۱. امام خمینی، *تحریر الوسيله*، چاپ چهارم، تهران، مکتبه الاعتماد، ۱۴۰۳ ق.، ج ۱، ص ۵۲۵.
 ۲. سیدحسین امامی، *حقوق مدنی*، چاپ هشتم، نشر کتاب فروشی اسلامی، ۱۳۷۲ ش.، ج ۲، ص ۱۶۶؛ حبیب‌الله طاهری، *حقوق مدنی*، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۷ ش.، ج ۶-۷، ص ۳۴۲.
 ۳. امام خمینی، *تحریر الوسيله*، ج ۱، ص ۵۲۵.

همه امانتهای مالی و مادی (اعم از امانتهای مالکی و قراردادی و امانتهای شرعی و قانونی) از نظر عقل و دین امانت محسوب می‌شود و پاسداشتن آن امری بایسته است؛ از این رو به حکم آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»^۱ باید در اولین فرصت، امانتها را به صاحبان آن برگرداند؛ زیرا خیانت به امانت گناهی بزرگ است، تا آنجا که پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

کسی که در دنیا به امانتی خیانتی کند و آن را به صاحبش برنگرداند و مرگش فرارسد، بر غیر آیین من مرده است.^۲

امانتهای معنوی

امانتهای معنوی انسانها نسبت به یکدیگر، بسیار است که در این بخش به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. جان و سلامتی

یکی از مسئولیتهایی که افراد در جامعه اسلامی نسبت به هم دارند، ضرورت حفظ جان و سلامتی دیگران است، به ویژه کسانی که به سبب بیماری یا سانحه‌ای، جان آنان به خطر افتاده است. امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام فرموداند:

إِنَّ اللَّهَ كَلَّفَ أَهْلَ الصَّحَّةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ أَهْلِ الزَّمَانَةِ وَالْبَلْوَى؛^۳ خداوند تندرستان را موظف کرده است که به مدد افراد زمین‌گیر و دیگر مبتلایان قیام کنند.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نیز در ضرورت امداد رسانی به بیماران می‌فرمایند:

إِنَّ تَارِكَ شِفَاءِ الْمَجْرُوحِ مِنْ جِرْحِهِ شَرِيكَ جَارِحِهِ لَا مُحَالَةَ؛^۴ کسی که مجروحی را به درمان نرساند، به حتم، شریک آسیب‌رسان محسوب می‌گردد.

هرچند افراد جامعه در برابر جان و سلامتی یکدیگر مسئول‌اند، آنچه در اینجا بسیار مورد تأکید است، ضرورت امانت‌داری پزشکان و پرستاران نسبت به جان و

۱. نساء / ۵۸.
 ۲. محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۷۵، ص ۱۷۱.
 ۳. محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، *عِلَلُ الشَّرَائِعِ*، بیروت، نشر المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ ق.، ج ۲، ص ۳۶۹.
 ۴. محمد بن حسن حرّ عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۲، ص ۶۲۹.

سلامتی بیمارانی است که زیر نظر آنان در بیمارستانها، سرای سالمندان و... به سر می‌برند.^۱ دلیل بر این مطلب، این سخن پیامبر ﷺ در اشاره به مسئولیت مدنی پزشکان است که می‌فرماید: «کسی که طبابت می‌کند، ولی به این دانش، مهارت نداشته باشد، هرگاه به جان یا عضوی از اعضای بدن بیمار زیانی رساند، ضامن است».^۲

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز در تأکید بر این مسئولیت، گاه بر ضرورت کسب مهارت‌های لازم برای صاحبان حرفه پزشکی اصرار می‌ورزد^۳ و گاه در نکوهش پزشکان فاقد مهارت، دور نگهداشتن آنان را از اجتماع، امری بایسته می‌داند، چنان که می‌فرماید:

بر حاکم اسلامی واجب است، دانشمندان تبهکار و پزشکان فاقد مهارت‌های لازم را زندانی کند و آنان را دور از اجتماع نگهدارد.^۴

۲. اسرار

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره رازهای نهان مردم که امانت است و نباید به آن خیانت شود، فرموده‌اند:

یا أباذر! المجالس بالأمانة وإفشاء سرّ أخيك خيانة فاجتنب؛^۵ ای اباذر! مجلس‌هایی که در آن می‌نشینی، امانت است و افشای راز برادرت خیانت؛ پس، از آن پرهیز کن.

بر اساس این، هر کس مانند قضا، پزشکان، پرستاران، مأموران پست، مخابرات و اطلاعات و... که بر حسب شغلشان از برخی اسرار مردم آگاه می‌شوند، نباید آن را در بیرون از حیطه شغل خود افشا کنند.

۱. ر. ک: جعفر سبحانی، *سیمای فرزندانگان*، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۹ ش، ج ۱، ص ۲۵۵.
۲. علی محمد، *سنن الدارقطنی*، تحقیق محمد بن منصور، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة، ج ۳، ص ۱۳۷.
۳. محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۶۲، ص ۷۴.
۴. محمد بن حسن طوسی (شیخ الطائفة)، *تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة*، بیروت، نشر دار صعب، ۱۴۰۱ ق، ج ۶، ص ۳۱۹.
۵. محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۷۷، ص ۸۹.

۳. عهد و پیمان

عهد و پیمان از جمله امانت‌های معنوی است که وفای به آن، امری بایسته است. امام علی علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «من أحسن الأمانة رعى الذمم»؛^۱ از مهمترین امانتها رعایت عهدهاست.

آن حضرت در جای دیگر فرموده‌اند:

وإن عقدت بینک و بین عدوک عقدة أو ألبسته منک ذمّة فحطّ عهدک بالوفاء و ارع ذمّتك بالأمانة و اجعل نفسك جنة ما أعطيت فإنه ليس من فرائض الله شيء الناس أشدّ عليه اجتماعاً؛^۲ اگر با دشمنت پیمان نهادی و یا او را امان دادی، به عهد خود وفا کن و آنچه بر عهده داری، ادا کن و خود را چون سیری در برابر پیمان قرار ده؛ زیرا مردم بر هیچ چیزی از واجبهای خدا چون بزرگ شمردن وفای به عهد، سخت همداستان نباشند.

۴. رایزنی

مشورت و رایزنی که در اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، آداب و شرایط خاصی دارد که رازداری، امانت‌داری، راستی و درستی در مقام مشورت‌دهی و راهنمایی درست از جمله آنهاست و اگر مشاور در انجام دادن مسئولیت خود کوتاهی کند و یا پس از کسب اطلاعات، آن را پیش افراد غیر مسئول فاش کند، به امانت و مراجع خود خیانت کرده است. امام علی علیه السلام در این باره فرموده‌اند:

خيانة المستسلم والمستشير من أفضح الأمور و أعظم الشرور و موجب عذاب السعير؛^۳ خیانت به فرد تسلیم‌شده و مشورت‌کننده از زشت‌ترین امرها و از بزرگ‌ترین بدیهاست و موجب عذاب دوزخ می‌شود.

ب) امانت‌های اجتماعی

اگر امانت‌داری نسبت به امانت‌های فردی امری پسندیده و خیانت در امانت

۱. شرح غرر و درر آمدی، ج ۶، ص ۳۴.
۲. *نهج البلاغة*، ترجمه سیدجعفر شهیدی، چاپ اول، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸ ش، نامه ۵۳، ص ۳۳۹.
۳. علی بن محمد اللیثی الواسطی، *عیون الحکم و المواعظ*، ص ۲۴۲.

امری زشت است، امانت‌داری نسبت به حقوق اجتماعی نیز پسندیده‌تر و خیانت در امانت‌های اجتماعی زشت‌تر است؛ زیرا خیانت به امانت‌های فردی تجاوز به حق فرد است، در حالی که خیانت در امانت‌های اجتماعی، تجاوز به حقوق اجتماع است.

حقوق و امانت‌های اجتماعی که همه ملزم به رعایت آن هستند، بسیار است که به برخی از آنها عم از امانت‌های مادی و معنوی اشاره می‌کنیم.

۱. پست و مقام

در اسلام، پست و مقام نه به عنوان لقمه‌ای نان و نام‌دار، بلکه به عنوان امانت همگانی به شمار می‌آید. امام علی علیه السلام در نامه‌ای به یکی از فرمانداران خود می‌فرماید:

وإن عملك ليس لك بطعمة ولكنك في عنقك أمانة وأنت مسترعى لمن فوقك؛^۱ پستی که داری، آب و نان نیست، بلکه امانتی بر عهده‌توست، آن که تو را به کار گمارده است، نگهبانی امانت را بر عهده‌تو وانهاده است.

این نگرش که پست و مقام فقط یک نوع امانت است و نه هیچ چیز دیگر، الگوهای متناسب خود را می‌طلبد. یکی از این الگوها «شایسته‌سالاری» است که اگر این الگورعایت نگردد و پست و مقام به افرادی نالایق واگذار شود، هم پذیرنده پست پیشنهادی و هم واگذارکننده آن، به این امانت اجتماعی خیانت کرده‌اند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در خصوص خیانت افراد نالایقی که پست و مقام را تصاحب کرده‌اند، می‌فرماید:

من تقدّم علی قوم من المسلمین و هو یری أنّ فیهم من هو أفضل منه فقد خان الله ورسوله و المسلمین؛^۲ کسی که در پذیرش منصبی از دیگر مسلمانان پیشی گیرد، حال آنکه می‌داند در میان آنان فردی پرتوان وجود دارد، به خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مردم خیانت کرده است.

۱. نهج البلاغه، شرح و ترجمه فیض الاسلام، نامه ۵، ص ۸۲۹.

۲. عبدالحسین امینی، الغدیر فی الکتاب و السنّة و الأدب، چاپ سوم، دار الکتب العربیة، ۱۳۸۷ ق، ج ۸، ص ۲۹۱.

آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در اشاره به خیانت آنها که فردی نالایق را به کار می‌گمارند، می‌فرماید:

من استعمل عاملاً من المسلمین و هو یعلم أنّ فیهم أولى بذک منه و أعلم بکتاب الله و سنّة نبیّه فقد خان الله ورسوله و جمیع المسلمین؛^۱ هر کس، فردی از مسلمانان را به کار گیرد، حال آنکه می‌داند در میان آنان، افرادی سزاوارتر و آگاه‌تر به کتاب خدا و سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وجود دارد، او در حقیقت به خدا، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و تمامی مسلمانان خیانت کرده است.

۲. اسرار عمومی

یکی از امانت‌های اجتماعی، اسرار نظام اسلامی است و اگر کسی آن را افشا کند، مشمول این کلام امام علی علیه السلام است که فرموده‌اند:

من أفضی سرّاً استودعه فقد خان؛^۲ هر کس رازی را که به امانت گرفته است، فاش کند، خیانت کرده است.

قرآن که برای حفظ اسرار جامعه اسلامی اهمیت خاصی قائل شده است، به افراد سست‌ایمانی که رازهای جامعه را افشا می‌کنند، هشدار داده و در نکوهش آنان می‌فرماید:

﴿إذا جاءهم أمر من الأمن أو الخوف أذاعوا به و لو ردّوه إلى الرسول و إلى أولى الأمر منهم لعلمه الذین یستنبطونه منهم﴾؛^۳ آنگاه که خبری از ایمنی یا وحشت به آنان برسد، آن را فاش می‌کنند، در حالی که اگر آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اولیای امر، ارجاع دهند، در میان آنان، کسانی هستند که از (درستی و نادرستی) آن آگاه شوند.

۳. علم و دانش

در مکتب اسلام، فقط فراگیری علم و دانش واجب نیست،^۴ بلکه آموزش و یاددهی نیز امری لازم است و بدیهی است هر کس در این باره کوتاهی کند، خیانت‌کار محسوب می‌گردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این باره می‌فرماید: «در یاددهی و یادگیری

۱. همان.

۲. شرح غرر و درر آمدی، ج ۵، ص ۲۶۸.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۷۷.

۴. نساء / ۸۳.

به یکدیگر کمک کنید؛ زیرا خیانت در علم بدتر از خیانت در مال است».^۱

آن حضرت در جای دیگر در ضرورت یاددهی می‌فرماید:

کاتم العلم یلعنه کلّ شیء حتّی الحوت فی البحر و الطیر فی السماء؛^۲ هر چیزی حتی ماهیان دریا و پرندگان آسمان، دریغ‌کنندگان علم را لعنت می‌کنند.

بنابراین، اگر مدرسی پیش از کسب مهارت‌های لازم، رسالت سنگین معلمی را به دوش کشد و یا پیش از حضور در کلاس، خود را در جایی دیگر و شغلی دیگر خسته کند و با حالت خستگی در کلاس حاضر شود، هم به علم و دانش و هم به دانش‌آموزان و دانشجویان خیانت کرده است. همچنین اگر پزشک یا بیمارستانی از پذیرش بیماران کم‌بضاعت خودداری کند، این کار، هم به بیمار و اجتماع خیانت است و هم به علم و جامعه پزشکی. همین‌طور اگر نخبگان با فرار به سوی بیگانگان سفره دانش خویش را برای آنان بگسترانند و هم‌وطنان خود را از آن محروم سازند، به کشور و ملت خود خیانت کرده‌اند. مگر نه این است که قرآن کریم از تحصیل‌کرده‌ها خواسته است تا پس از فراگیری علم و دانش به میان همشهریان و هم‌وطنان خود برگردند و آموخته‌های خود را به جامعه خودی «نه بیگانه» عرضه کنند؟ ﴿لولا نفر من کلّ فرقة منهم طائفة لیتنفّھوا فی الدین و لینذروا قومهم إذا رجعوا الیهم لعلّهم یحذرون﴾^۳؛ چرا از هر فرقه‌ای از آنان دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را - آنگاه که به سوی آنان بازگردند - بیم دهند، باشد که آنان از کیفر الهی بترسند.

۴. اموال عمومی

بیت‌المال و امکانات عمومی که در اختیار متصدیان امور است، از امانت‌های جامعه است و لازم است در حفظ آن و به‌کارگیری درست آن بکوشند. در این باره از زعیمی درستکار و امیری امانت‌دار بیاموزیم که در تأکید به این اصل، خطاب به

یکی از کارگزارانش فرموده است:

إنّ هذا المال لیس لی و لا لک و إنّما هی فیء للمسلمین؛ این اموال نه ملک من است و نه ملک تو، بلکه غنیمتی برای مسلمانان است.

آن حضرت که نسبت به بیت‌المال و اموال عمومی حساس بود، در بخشنامه‌ای به کارگزاران خود فرموده است:

أدقّوا أقالمکم و قاربوا بین سطورکم و احذفوا عنّی فضولکم و اقصدوا قصد المعانی و ایّاکم و الإکتار فإنّ أموال المسلمین لا تحتمل الإضرار؛^۴ نوک قلمهای خود را نازک کنید، سطرها را به هم نزدیک سازید، تعارف را نسبت به من کاهش دهید و زواید را حذف کنید. در قصد معانی میانه پیش گیرید، زنهار که زیاده‌روی کنید؛ زیرا بیت‌المال هیچ‌زیانی را بر نمی‌تابد.

امام علی علیه السلام که در حفظ بیت‌المال سرآمد روزگار خود بود، در اشاره به گوشه‌ای از امانت‌داری خود نسبت به اموال عمومی فرموده است:

ای کوفیان! اگر من از شهر شما بروم با چیزی فزون‌تر از مرکب، بار و بنه اندک خود و تنها غلام فلانی، خیانت‌کار و امانت‌شکن باشم.^۳

۵. اموال شخصی

هرچند ممکن است تصوّر شود اموال شخصی هر کسی ملک طلق اوست و او مجاز است، بی‌هیچ محدودیتی، آن را حیف و میل کند. لکن اگر خوب بنگریم، اموال شخصی نیز نوعی امانت است که در اختیار ایشان قرار گرفته است تا در چارچوب اختیارات تفویض شده از آن استفاده کند. امام صادق می‌فرماید:

خیال می‌کنی اگر خدا به کسی نعمتی داده است، از کرامت اوست؟! ... نه، چنین نیست. مال خداست که به نزد او به امانت می‌گذارد و اوست که خوردن، آشامیدن، پوشیدن، ازدواج و انواع تصرفات مباح را اجازه داده است، به شرطی که رعایت اعتدال را بنماید و مازاد آن را به نیازمندان برساند.^۴

۱. نهج البلاغة، شرح و ترجمه فیض الاسلام، خطبه ۲۲۳، ص ۷۲۸.

۲. محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، الخصال، ص ۳۱۰؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۱۰۵.

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۱۲، ص ۲۰۰.

۴. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۰۵.

در پی این نگرش اسلامی است که برای پیشگیری از استفاده نادرست در اموال شخصی، محدودیتها و دستورات خاصی بیان شده است. حرمت اسراف، احتکار و لزوم پرداخت مالیاتهای واجب مانند: خمس، زکات و خراج از جمله این دستورات است. امام علی علیه السلام در بیان این مطلب که اسراف نوعی تصرف در حق دیگران است، فرموده‌اند:

... يأكل ما ليس له و يشترى ما ليس له و يلبس ما ليس له؛^۱ آنچه را اسرافگر می‌خورد، حق او نیست و آنچه را حق او نیست، می‌خرد و آنچه را حق او نیست، می‌پوشد.

آن حضرت در بیان این مطلب که احتکار نیز نوعی خیانت به جامعه است، با الهام از سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که فرموده‌اند: «لا يحتكر إلا الخوَّانون»^۲ و در عهدنامه خود به مالک اشتر فرموده‌اند:

... و ذلك مضرّة للعامة و عيب على الولاية فامنع من الاحتكار؛^۳ این امر برای عموم، زیانبار و برای زمامداران، عیب است؛ پس، نگذار که احتکاری صورت گیرد.

عدم پرداخت مالیاتهای واجب نیز نوعی خیانت به جامعه، به‌ویژه نیازمندان، است؛ زیرا این بخل‌ورزی فاصله طبقاتی را زیاد می‌کند و به ناداری و گرسنگی نیازمندان که شریک مال مردم هستند،^۴ می‌افزاید. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: و لو أنّ الناس أدّوا زكاة أموالهم ما بقى مسلم فقيراً محتاجاً؛^۵ اگر مردم زکات مالشان را پرداخت می‌کردند، هیچ مسلمان فقیر و محتاجی باقی نمی‌ماند.

شاعر چه زیبا سروده است:

۱. محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۱.

۲. ر.ک: متقی هندی، کنز العمال، ج ۴، ص ۱۰۱، حدیث ۹۷۳۸.

۳. نهج البلاغه، شرح و ترجمه فیض الاسلام، نامه ۵۳، ص ۱۰۱۷.

۴. انفال / ۴۱؛ توبه / ۶۰.

۵. محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، تهران، نشر دار الکتب الاسلامیه،

۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۴.

و کم قائل قال: ما لی رأیتک راجلاً فقلت له: من أجل أنّک فارس^۱ (گوینده‌ای گفت: چه شده است که تو را پیاده می‌بینم؟! گفتم: چون تو سواره‌ای).

عوامل و زمینه‌ها

امانت‌داری و امانت‌شکنی مانند دیگر پدیده‌های اجتماعی، عوامل و زمینه‌های خاص خود را دارد. در این بخش، نخست برخی از عواملی که در گسترش امانت‌داری تأثیر بسزایی دارد، یادآور می‌شویم و سپس به برخی از عواملی که زمینه بروز خیانت را فراهم می‌کند، می‌پردازیم.

الف) عوامل و زمینه‌های گسترش امانت‌داری

۱. ایمان

ایمان که مؤثرترین عامل گسترش ارزشهاست، در گسترش امانت‌داری نیز نقشی بسزا دارد. با وجود ایمان، نه به مال مردم خیانت می‌شود و نه اعتبار و آبروی کسی مخدوش می‌گردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: تا آنگاه که انسان مؤمن است، زنا نمی‌کند و تا زمانی که او مؤمن است، دزدی نمی‌کند.^۲

امام علی علیه السلام نیز در اشاره به ارتباط وثیق بین ایمان و امانت‌داری با اشاره به نقطه مخالف آن می‌فرماید: الخيانة دليل على قلة الورع و عدم الديانة؛^۳ خیانت، گواهی بر کمی ورع و بی‌دینی است.

۲. نظارت

نظارت بر افرادی که عهده‌دار امانتی از امانت‌های جامعه هستند، یکی از عواملی

۱. عباس قمی، الکنی و اللقب، ج ۱، ص ۲۷۵.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۶۳.

۳. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۴.

است که امانت‌داری را فزونی می‌بخشد. امیرالمؤمنین، امام علی علیه السلام در فرازی از عهدنامه خود به مالک اشتر می‌نویسند:

تفقه أعمالهم و ابث العيون من أهل الصدق و الوفاء عليهم، فإن تعاهدك في السر لأموهم حدوة لهم على استعمال الأمانة؛^۱ رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و وفای‌پیشه بر آنان بگمار؛ زیرا بازرسی پنهانی تو سبب امانت‌داری و خوش‌رفتاری آنها با رعیت می‌شود.

۳. برخورد قاطع

بی‌تردید برخورد قاطع و منطقی با امانت‌شکنان، زمینه گسترش امانت‌داری را فراهم می‌آورد و از فزونی امانت‌شکنی پیشگیری می‌کند. در به کارگیری این اصل از امام علی علیه السلام بیاموزیم که با کارگزاران خیانت‌کار برخوردی قاطع داشت. برخورد قاطع آن حضرت با «شریح بن حارث»^۲، «زیاد بن ابیه»^۳ و «فرماندار اردشیر خُرّه»^۴ نمونه‌هایی از این برخوردهاست.

برخورد قاطع امام علی علیه السلام با خیانت‌کاران از آن روست که آن حضرت، مدارا با خیانت‌کاران رانوعی خیانت می‌داند و می‌فرماید:

الوفاء لأهل الغدر غدر عند الله و الغدر بأهل الغدر وفاء عند الله؛^۵ وفاداری با خیانت‌کاران نزد خدا خیانت است و خیانت به دغل‌کاران، نزد خدا وفاداری است.

(ب) عوامل و زمینه‌های بروز خیانت

عواملی که به امانت‌شکنی منجر می‌شود، بسیار است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. انحراف عقیده

همان‌گونه که ایمان خاستگاه بسیاری از ارزشها و از جمله امانت‌داری است،^۶

۱. نهج البلاغه، شرح و ترجمه فیض الاسلام، نامه ۵۳، ص ۱۰۱۱.

۲. همان، نامه ۳، ص ۴۸۰.

۳. همان، نامه ۴۳، ص ۹۶۱.

۴. ر.ک: مؤنون / ۸؛ مجادله / ۲۲.

۵. همان، نامه ۲۰، ص ۸۷۰.

۶. همان، حکمت ۲۵۱، ص ۱۲۰۱.

انحراف عقیده نیز از عوامل بروز خیانت است؛ از این رو، قرآن کریم عهدشکنی را از ویژگیهای کافران معرّفی کرده است:

«الذين عاهدت منهم ثم ينقضون عهدهم في كل مرة»^۱؛ کسانی هستند که هر بار از آنها پیمان گرفتی، آن را می‌شکنند.

نفاق که گونه‌ای از انحراف عقیده است، به امانت‌شکنی منجر می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

آية المنافق ثلاثة، إذا حدّث كذب و إذا وعد أخلف و إذا ائتمن خان؛^۲ نشانه منافق سه چیز است: آنگاه که سخن گوید، دروغ می‌گوید؛ آنگاه که وعده‌ای می‌دهد، خلف وعده می‌کند و آنگاه که امین شمرده می‌شود، خیانت می‌کند.

۲. بدگمانی

بدگمانی از عواملی است که خیانت به امانت را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. امام علی علیه السلام فرموده‌اند:

من ساءت ظنونه اعتقد الخيانة بمن لا يخونه؛^۳ کسی که گمانهایش نادرست باشد، خیانت به کسی که به او خیانت نکرده است، روا می‌دارد.

۳. رشک‌ورزی

حسادت نیز از سببهای خیانت در امانت است؛ زیرا کسی که به این بیماری مبتلا گشته است، همواره در صدد ضربه زدن به شخصی است که حسادت او را در دل دارد. رفتار نادرست فرزندان رشک‌ورز یعقوب در به چاه انداختن یوسف علیه السلام^۴ نمونه‌ای از این خیانت است که از بیماری حسادت ریشه گرفته است.

۴. افسردگی

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در اشاره به این مطلب که افسردگی سبب امانت‌شکنی است، از سپردن امانت به انسانهای افسرده منع کرده و در این باره فرموده‌اند: «لا تأمنن»

۱. انفال / ۵۶.

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۲۰۶.

۳. شرح غرر و درر آمدی، ج ۵، ص ۳۷۸.

۴. یوسف / ۱۸-۷.

ملولاً؛^۱ افسرده را امین مشمار.

عدم اعتماد به فرد افسرده به این علت است که انسانهای افسرده، کم حوصله و زودرنج اند و با اندک بهانه‌ای در صدد خیانت هستند.^۲

آثار و پیامدها

هر یک از امانت‌داری و امانت‌شکنی، آثار و پیامدهای مخصوص به خود دارد که در ادامه به آنها اشاره می‌کنیم:

الف) آثار و فواید امانت‌داری

۱. تقویت ایمان و گسترش دین‌باوری

یکی از فواید امانت‌داری تحکیم پایه‌های ایمان و گسترش دین‌داری در جامعه است. امام علی علیه السلام فرموده‌اند: من عمل بالأمانة فقد أكمل الدیانة؛^۳ کسی که امانت را پاس دارد، دینداری را کامل کرده است.

از نمونه‌های عینی و تاریخی این تأثیر، امانت‌داری خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که در گسترش حق‌باوری و دینداری تأثیر شگرفی داشت. افزون بر امانت‌داری آن حضرت که در دو دهه نخست اسلام به گسترش مکتب اسلام کمک کرد، بعد از آن نیز تاریخ، شاهد نمونه‌هایی از این تأثیر است که تأثیر امانت‌داری بازرگانان مسلمان در گسترش اسلام و راهیابی آن به کشورهای دوردست مانند هند، چین، اندونزی و نیز کشورهای آفریقایی نمونه‌هایی روشن بر تأثیر امانت‌داری در گسترش اسلام است.^۴

۱. نهج البلاغه، شرح و ترجمه فیض الاسلام، حکمت ۲۰۲، ص ۱۱۸۲.

۲. ر.ک: سیدعباس موسوی، شرح نهج البلاغه، چاپ اول، بیروت، دارالبیضاء، ۱۴۱۸ ق.، ج ۵، ص ۳۷۵.

۳. شرح غرر و درر آمدی، ج ۵، ص ۴۴۸.

۴. علی ربانی خلخالی، خیانت از دیدگاه اسلام، ص ۶.

۲. عزت اجتماعی

همان‌گونه که ادب، علم، صداقت یا هر خصلت نیک دیگری زمینه عزت اجتماعی انسان را فراهم می‌کند، امانت‌داری نیز سبب عزتمندی انسان در اجتماع می‌شود.^۱ این اثر را باید در انسانهایی امین جست‌وجو کرد که به سبب امانت‌داری، عزت یافته‌اند. عزت پیشوایان معصوم و دیگر رادمردان بزرگ، نمونه‌ای بر این حقیقت است. امام صادق علیه السلام در اشاره به این مطلب که نردبان ترقی پیامبران، امانت‌داری آنان بوده است، می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِصَدَقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ؛^۲ خداوند هیچ پیامبری را بر نینگیخت مگر به سبب راست‌گفتاری و امانت‌داری آنان.

آن حضرت در سبب اعتبار و منزلت امام علی علیه السلام در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: آنچه سبب شد، امام علی علیه السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم منزلت و اعتباری خاص یابد، صداقت در گفتار و امانت‌داری آن حضرت بود.^۳

۳. تأمین امنیت

امانت‌داری خصلتی سازنده است که اگر در جامعه‌ای گسترش یابد، آن جامعه، سالم و برخوردار از امنیت می‌شود و زندگی توأم با آرامش را به ارمغان می‌آورد. حضرت لقمان علیه السلام فرموده‌اند: يَا بُنَيَّ أَدِّ الْأَمَانَةَ تَسَلَّمَ لَكَ دُنْيَاكَ؛^۴ پسر! امانت را پاس دار تا دنیای شما سالم و امن بماند.

۴. شکوفایی اقتصادی

با گسترش امانت‌داری در جامعه، افزون بر ابعاد معنوی و اجتماعی آن، در جهت شکوفایی اقتصادی نیز تأثیر فراوان دارد و این بدان سبب است که انسانهای امین از

۱. شرح غرر و درر آمدی، ج ۲، ص ۱۳۰.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۱۰۴؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۶.

۳. همان.

۴. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۷۶؛ ج ۷۵، ص ۱۱۷.

اعتبار و اعتماد بالایی در میان مردم برخوردارند و هر کس که مورد اعتماد و اعتبار باشد، از هیچ‌گونه دادوستد و مشارکتهای اقتصادی با او دریغ نخواهد شد. اثر طبیعی این فرایند، عاید شدن سود فراوان به شخص امین و مورد اعتماد است؛ چرا که از دیرباز گفته‌اند: «امانت داران شریک مال مردم‌اند»؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام نیز فرموده‌اند:

عليك بصدق الحديث و أداء الأمانة، تشارك الناس في أموالهم؛^۱ بر شما باد صداقت در گفتار و پاس‌داشتن امانت که در این صورت، شریک مال مردم می‌شوید.

سخن لقمان حکیم علیه السلام به این مطلب اشاره دارد که فرمود: «يا بُنَيَّ! كن أميناً، تكن غنياً»؛^۲ پسرم! امین باش تا غنی گردی.

ب) پیامدهای امانت‌شکنی

۱. سستی در دین

بدانسان که امانت‌داری در تقویت ایمان و گسترش دین‌داری تأثیری بسزا دارد، امانت‌شکنی نیز در تضعیف ایمان اثری ویرانگر دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: لیس منّا من خان مسلماً فی أهله و ماله؛^۳ کسی که به اهل و مال مسلمانی خیانت کند، از ما نیست.

امام علی علیه السلام نیز فرموده‌اند:

جانباو الخیانة فإنها مجانية الإسلام؛^۴ از خیانت دوری کنید؛ چرا که خیانت، آدمی را از اسلام دور می‌کند.

آنگاه که انسان به سبب امانت‌شکنی از مسیر عقیده درست منحرف گردد و از شاهراه هدایت دور شود، صورت کریه این انحراف، گاه در نفاق رخ می‌نماید:

۱. محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۱۹.
 ۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۴؛ ج ۷۷، ص ۱۱۹.
 ۳. همان، ج ۷۵، ص ۱۷۲.
 ۴. شرح غرر و درر آمدی، ج ۳، ص ۳۶۱.

«الخیانة رأس النفاق»^۱ و گاه در کفر و بی‌ایمانی بروز می‌کند: «رأس الکفر الخیانة»^۲. نمونه تاریخی این اثر، «برصیصای عابد» است که امانت‌شکنی او به کفر و الحادش منجر شد.^۳

۲. بی‌اعتمادی

بر خلاف امانت‌داری که اعتمادآفرین است و روابط اجتماعی را استوار می‌سازد، خیانت به امانت، بی‌اعتمادی را فزونی می‌بخشد و روابط اجتماعی را تیره می‌کند؛ چرا که خیانت، دوستی و برادری را بر نمی‌تابد: «لا تجتمع الخیانة مع الأخوة»؛^۴ خیانت با برادری جمع نمی‌شود.

سلب اعتماد حضرت یعقوب علیه السلام از فرزندان امانت‌شکنش نمونه‌ای از این بی‌اعتمادی است که از خیانت در امانت نشئت می‌گیرد. آنگاه آنان نزد پدر آمدند و از او خواستند تا «بنیامین» را با آنان همراه کند و راهی مصر گرداند، آن حضرت در ابراز بی‌اعتمادی خود فرمود:

چگونه شما را بر «بنیامین» امین شمارم، در حالی که پیشتر، شما را بر برادرش یوسف امین شمردم، ولی به او خیانت کردید؟^۵

۳. خواری و تلخ‌کامی

از جمله آثار امانت‌شکنی، خواری و تلخ‌کامی انسانهای خیانت‌پیشه است. امام علی علیه السلام در بیان این مطلب که بسیاری از ناکامیها ریشه در خیانت دارد، در فرازی از نامه خود به یکی از کارگزاران مالیاتی می‌فرماید:

کسی که امانت را سبک شمارد و در خیانت به آن فرو رود و جان و دین خویش را از خیانت پاک نکند، در این سرا در خواری و رسوایی را به روی خود گشوده است و در سرای دیگر، خوارتر و رسواتر شود.^۶

۱. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۰۶.

۲. شرح غرر و درر آمدی، ج ۴، ص ۵۳.

۳. ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۹ و ۱۰، ص ۳۹۷.

۴. شرح غرر و درر آمدی، ج ۶، ص ۳۷۲. ۵. یوسف / ص ۶۴.

۶. نهج البلاغه، شرح و ترجمه فیض الاسلام، نامه ۲۶، ص ۸۸۴.

۴. تنگدستی

خیانت در امانت بلایی بزرگ و آتشی بنیان‌سوز است که بنیان امانت‌شکنان و جامعه خیانت‌پیشه را می‌سوزاند و فقر و تنگدستی را به ارمغان می‌آورد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در اشاره به این مطلب فرموده‌اند: خیانت مانند دزدی، می‌گساری و زناست که به هر خانه درآید، آن را ویران می‌کند و از هر نوع برکتی محروم می‌سازد.^۱

روشن‌تر از این حدیث، کلام دیگر آن حضرت است که فرموده‌اند: الخیانة تجلب الفقر؛^۲ خیانت تنگدستی را به ارمغان می‌آورد.

در پایان یادآوری می‌کنیم، امانت‌داری موضوعی گسترده و فراگیر است که جای‌جای زندگی فردی و اجتماعی انسان را فرامی‌گیرد. شایسته است برای گسترش امانت‌داری و نهادینه شدن آن در جامعه، به عنوان یک فضیلت اخلاقی، ابعاد و زوایای مختلف آن بررسی شود. افسوس که نه این مقال، گنجایش آن را دارد و نه این مجال، فرصت آن را.

امام رضا علیه السلام و رسالت تبیین قرآن

- حسن خرقانی^۱
- عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

چکیده:

قرآن در اندیشه، گفتار و کردار اهل بیت علیهم السلام تجسم و عنایت تمام یافته است و سیره کریمانه و سخن حکیمانه آنان، مستقیم یا غیر مستقیم، تبیینگر کتاب الهی در ابعاد گوناگون آن است. در این مقاله به بیاناتی که امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به طور مستقیم در باب قرآن کریم فرموده‌اند، پرداخته شده است. با توجه به سخنان آن حضرت درباره قرآن و تفسیر آن، سرفصلهای ذیل تبیین شده است: بیان فضیلت و جایگاه قرآن، معرفی گوشه‌هایی از علوم قرآن، تنزیه خداوند و تبیین تشابهات اعتقادی قرآن، تنزیه پیامبران و تبیین تشابهات قصص انبیا، شرح و توضیح آیه‌ها و پاسخگویی به ابهامات، تحنین مصداق و تطبیق آیه، استناد به قرآن و شاهد آوردن از آن، تفسیر قرآن به قرآن و تبیین احکام در پرتو قرآن. کلید واژگان: قرآن، تفسیر، نقش اهل بیت علیهم السلام در تفسیر، امام رضا علیه السلام.

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۷۰.

۲. همان، ص ۱۱۴.